

# نقش اردوها در رشد و شکوفایی شخصیت

معلم پژوهنده: زهره باقرزاده  
استان خراسان جنوبی، بیرجند



و انضباط را رعایت کند و هم به باورها و نگرش‌ها و مناسک جمع احترام بگذارد و گر نه طرد خواهد شد. حاصل رعایت این دو در اردو باعث استمرار و بقای جامعه، همکاری و تعاون، وحدت و استقلال، اعتماد و در نهایت همبستگی اجتماع است.

از لحاظ جسمی و فعالیت بدنی و بعد ورزشی اردو را نباید دست کم گرفت. می‌تواند ورزش و شادی خیلی مناسب و بجایی برای بچه‌ها باشد.

در اردوهای چند روزه، بچه‌ها مدیریت پول و تقویت مهارت‌های مدیریت پول را نیز می‌آموزند.

رشد حواس از طریق تحریک حس حرکت در اردو در رشد خلاقیت و حواس بچه‌هایی تأثیر نیست. به قول ژان ژاک روسو که می‌گوید «پاهای، دست‌ها و چشم‌های ما نخستین معلم در فلسفه هستند».

در واقع با فعال نمودن حواس و برقراری نظم و تعادل بین آنها از طریق تماس‌های مستقیم با اشیا، پی به قوانین آنها برده می‌شود.

لذا مرتباً را باید با واقعیات و حقایق طبیعت مواجه نمود و حتی المقدور او را از محیط‌های مصنوعی و ساختگی بر حذر داشت تا بینش واقع بینانه نسبت به مسایل یافته و قدرت درک مطلب از قوانین حاکم بر طبیعت را بیابد.

لذا از طریق تحریک حس کنجکاوی می‌توان ذهن را از مرحله فعلی به وضع عالی تری هدایت کرد. میان فعالیت طبیعی کودک و فعالیتی که به او پیشنهاد می‌شود، فاصله و حرکتی وجود دارد که این فاصله عامل پیشرفت و رشد فکری است.

برای مثال کودک از حالت بازی به سوی کار، از مشاهده به سوی تجزیه و تحلیل و از به کار افتادن حواس برای انجام عملی به سوی فهم و ادراک سوق داده می‌شود.

البته این فاصله باید منطبق با ظرفیت و توانایی‌های جسمانی و روانی متربی باشد.

آهن ربا در صورتی می‌تواند براده آهن را جذب کند که در فاصله معینی از آن قرار گیرد. اگر فاصله رعایت نشود، قدرت جذبی نخواهد بود. در پرورش کودک نیز این عامل باید حفظ گردد تا تربیت فکری مصداق یابد.

از طرف دیگر اردو عملی است که فرد می‌تواند در موقعیت‌های مساعد برای انجام کردارهای مطلوب قرار گیرد. چون بهترین روش برای گسترش کردار مطلوب آرایه الگوهای عینی و موقعیت انجام آن و تشویق است. پس فرد می‌تواند به کرات در اردو اعمالی چون گذشت، فداکاری، کمک به هم‌نوع، انفاق، دوست‌یابی، مسئولیت‌پذیری، خرد نکردن دیگران و در جمع بودن را تجربه کند.

به انتخاب ارزش‌ها و گرایش‌های دیگران و اینکه فرد بداند تمایلات و ارزش‌های گروه و سپس جامعه مهم است و باید به آن احترام گذاشت و بعداً در سازگاری فرد با اجتماع خیلی مهم است.

درست اندیشی و توانایی رهبری کردن دیگران و احترام افراد به حقوق اجتماعی همدیگر و رشد معیارهای اخلاقی مثل صداقت، امانت و فداکاری در اردو قابل شهود است.

بسیاری از پاسخ‌های اجتماعی و ذهنی فرد که والدینش به او آموخته‌اند تقویت می‌شود و بسیاری از پاسخ‌های جدید را یاد می‌گیرد.

به اطفال گوشه‌گیر و درونگرا کمک می‌کند تا پذیرش گروهی را بوجود آورد.

پیدا کردن وضع افراد در گروه یعنی مقام و رتبه آنها که رابطه تنگاتنگی با مسئولیت آنها دارند.

فرد در اردو می‌فهمد که با توجه به مسئولیتی که به او داده شده چه رتبه‌ای دارد و این خیلی بد است. برای حل این مشکل باید لیست مسولیت‌ها را به آنها بدهیم و بگوییم فرد هر کدام را دوست دارد انتخاب کند و اینجا استفاده از انتخاب

برای تشویق رفتار مسئولانه خیلی مهم است؛ فرد احساس مسئولیت بیشتری می‌کند و تمام پیامدهای رفتاراش را خودش در نظر می‌گیرد. ولی در عین حال نباید جای نظم خالی باشد، چون کارها هیچ وقت انجام نخواهند پذیرفت. یک ضرب المثل هست که می‌گوید: اگر به کودک‌کان زیاد طناب بدهی، خودشان را با آن حلق آویز می‌کنند.

در آمدن از حالت یکنواختی و ایجاد تنوع از لحاظ عاطفی و احساس لذت کردن فرد در ارضای انگیزه لذت جویی خیلی مفید است و ارضای انگیزه هم باعث سلامت روان است.

از بین بردن ترس‌ها (عامل ناشناخته و مجهول) و روبه‌رو کردن فرد با خطرات ممکن باعث می‌شود، فرد موفقیت‌های تازه را کسب و تناسب و تعادل را حفظ می‌کند بر عکس دور کردن بچه‌ها از این خطرات او را آسیب‌پذیر و شکننده می‌کند.

انجام یک کار سخت و پیچیده خیلی خوب است، چون فرد از اینکه پیشرفت قابل توجهی داشته باشد خوشش می‌آید.

آموختن صبر برای دریافت پاداش موفقیت‌ها و صبر در برابر مشکلات، از نتایج دیگر اردو از لحاظ اینکه در روان افراد اثرات جالبی می‌گذارد و او را برای زندگی آینده‌اش آماده و دقیق می‌کند.

اجتماعی شدن فرد در اردو از دو بعد جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری اهمیت دارد؛ بدین معنی که فرد هم یاد می‌گیرد که قواعد و مقررات و نظم

در دین اسلام زندگی انسان، در واقع عبارت است از برقراری یک عده روابط و مرگ یعنی پایان یافتن این روابط، و این روابط، در صورتی سالم و سودبخش تلقی خواهند شد که شخص از تربیت اخلاقی برخوردار شود یعنی بتواند با مردم زندگی کند بدون اینکه زور بگوید یا زور بشنود (رابطه درست انسان با انسان) بتواند خود را بپذیرد و در اصلاح نقطه ضعفهای خودش بکوشد (رابطه سالم انسان با خویشش)؛ بتواند از طبیعت، بیشترین بهره را ببرد بدون اینکه طبیعت را نابود کند (رابطه سالم با طبیعت) و بتواند از ابزارها و وسایل یا اشیا درست استفاده کند (رابطه سالم با اشیا).

سرانجام، رویدادها یا اوضاع و احوال را درست تجزیه و تحلیل کند، در تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف و از بین بردن جنبه‌های منفی آنها بکوشد و در نتیجه، میان شخص و اوضاع و احوال (رویدادها) سازگاری مطلوب به وجود آورد (رابطه سالم انسان با اوضاع و احوال).

فرد وقتی می‌تواند زندگی سالمی داشته باشد که در این ۵ بعد بتواند سازگاری پیدا کند. در مدارس می‌کوشیم خود را به این اهداف نزدیک کنیم ولی باید این را بدانیم که به گفته ویلیام توبلر تعلیم و تربیت پر کردن سطل نیست، بر افروختن آتش است. در مدارس، ما با انسان‌هایی سروکار داریم که برای پرورش باید آنها را بشناسیم درست مثل کسی که گل پرورش می‌دهد و به علوم گیاه‌شناسی و پرورش گیاه‌اشنایی پیدا می‌کند و بعد شروع به پرورش آن می‌کند و گر نه موفق نخواهد شد.

آنچه یک مربی باید بداند این است که بداند افرادی که زبر دست او هستند اجسام بی‌جان نیستند که فقط نیاز به نگهداری دارند بلکه آنها را مانند گل باید پرورش داد و آنها را در مدرسه زندگی به تجربه و داشت و از راه آزمایش و خطا آنها را به حقایق زندگی آشنا ساخت. آنها را هل عمل بار آورد و از اینکه عالم بی‌عمل باشند پرهیز کنند و این میسر نمی‌شود مگر اینکه شرایطی فراهم کنیم که فرد عملاً زندگی اجتماعی را بیاموزد (ابن سینا).

یکی از عوامل، اردو است که فرد می‌تواند در آن از جنبه‌های مختلف شناخته و نیز پرورش یابد.

فرد در اردو یاد می‌گیرد که زندگی بدون افراد دیگر زیبا نیست و هیچ موفقیتی بدون احساس صمیمیت و یگانگی با مردم بوجود نمی‌آید. او یاد می‌گیرد آسایش فردی به آسایش گروهی بستگی دارد.

فرد یاد می‌گیرد که باید هماهنگ با گروه حرکت کند و گر نه ممکن است از گروه طرد شود. همانطور که می‌دانیم هماهنگی یعنی تمایل فرد